



تحلیل هفته

ربیعی و فراکسیون "امید" ضد حقوق کارگران هستند



صادق کار

در مسند وزارت نیست، اما به رغم این مخالفت علی ربیعی در تلاش است تا با بسیج کارمندان وزارت کار، تامین اجتماعی و استفاده از امکانات این سازمان و بانک رفاه کارگران و دادن رشوه و وام به نمایندگان مجلس آرای لازم برای باقی ماندن بر مسند وزارت را حفظ کند.

طلبان اختلاف نظر به وجود آمده است و اصلاح طلبان از چینش و ترکیب کابینه ناخرسندند، و فراکسیون اصلاح طلبان در مجلس قصد ندارند که به همه ترکیب پیشنهادی روحانی رای دهند.

یکی از وزارایی که گفته شده این فراکسیون مایل به رای دادن و حمایت از ربیعی برای باقی ماندن

روزنامه انتخاب در ۲۲ مرداد به نقل از بهرام پارسایی سخنگوی فراکسیون امید خبر مربوط به حمایت مجد خاتمی رئیس دولت اصلاحات از ادامه وزارت علی ربیعی وزیر تعاون کار و رفاه را تکذیب کرد. این تکذیب پس از آن صورت گرفت که گفته شد، بر سر انتخاب وزراء بین روحانی و فراکسیون امید و شورای سیاست گذاری اصلاح



داشت، آن ها طی چهار سال گذشته فرصت کافی داشتند که آن را نشان دهند، واقعیت این است که هیچ کدام از برنامه های ضد کارگری دولت و ربیعی بدون رای و حمایت فراکسیون اصلاح طلبان نمی توانست عملی شود. از آغاز تشکیل این فراکسیون تا کنون تنها تعداد انگشت شماری از نمایندگان عضو آن و در بعضی موارد نسبت به برنامه های دولت در زمینه مسایل کارگری از خود واکنش های کم رمقی بروز دادند و هیچ گاه فراتر از نصیحت به دولت نرفتند، اکنون نیز مخالفت فراکسیون امید از روی مخالفت با سیاست های کلی دولت نخواهد بود.

مخالفت آنان با ربیعی بر سر ترکیب کابینه و سهم اندکی است که روحانی به آنها داده است. آنها در تلاشند بلکه یکی از عناصر وابسته به جناح خودشان را بر جای ربیعی نیشانند! بر خلاف اصلاح طلبان و سرگردگان خانه کارگر که هر یک منافع گروهی خودشان را در این کشاکش ها دنبال می کنند، آنچه که کارگران می خواهند و برایش مبارزه کرده و می کنند، تغییر سیاست های ضد کارگری دولت و حکومت است، به همین جهت به دام این گونه ترفنده ها که متأثر از جنگ قدرت بین جناح هاست، نمی افتند ولی از این تضادها و کشمکش ها برای پیشبرد مبارزات شان یقینا به نحوی مطلوب بهره خواهند گرفت، تغییر دولت و تغییر مجلس و حمایت از این با آن جناح حکومت هیچ منفعتی برای کارگران و عموم مزدگیران در چهار چوب قوانین کنونی نداشته و ندارد. پارلمان واقعی کارگران اتحادیه های کارگری است، که کارگران برای تشکیل آن می توانند با مبارزه صنفی و ایجاد یا پشتیبانی از تشکل های مستقل کارگری، در هر شهر و دیاری تعجیل و مبارزه کنند.

حقوقی را که برایشان هنوز باقی مانده بود چگونه توسط وی و هم دستانش در معرض تاراج قرار گرفته طرح های ضد کارگری امثال تغییر قانون کار، طرح استاد شاگردی و کارورزی به جریان انداخته شد، تعداد قراردادهای موقت از ۶۳ درصد به ۹۳ درصد افزایش یافت، دستمزد ها ۴ برابر زیر خط ثابت نگه داشته شد، کارگران مناطق آزاد از شمول قانون کار همچنان مستثنی باقی ماندند، اجباری بودن بیمه در بسیاری از کارگاه ها ملغی شد، قانون بیمه بیکاری چنان تغییر پیدا کرد که کمتر بیکاری امکان استفاده از آن را دارد.

فکر می کنند، روزنامه نگاران و کانون صنفی معلمان یادشان رفته که شخص وزیر مانع اصلی فعالیت آن ها شده است، یا این که اتوبوس رانان، کارگران هفت تپه، اتحادیه آزاد نمی دانند، وزیر کار برای جلوگیری از تشکیل مجامع عمومی و فعالیت سندیکاهایشان از هیچ کوششی دریغ نورزیده است.

وزیر از اجرای مقوله نامه های بنیادین کار سرباز زده و اعتراض های صنفی طی صدارت ربیعی بیش از پیش سرکوب و بدیهی ترین حقوق سندیکایی کارگران لگد مال گردیده است. با چنین عمل کردی سرگردگان خانه کارگر و دیگر تشکل های فرمایشی از حمایت و رضایت کدام کارگر واقعی، از ربیعی داد سخن می دهند؟ آن ها البته خودشان حق دارند، نگران ابقاء نشدن ربیعی باشند، چون از این راه نان می خورند، ولی آن هایی که نان شان را ربیعی اجر کرده، دلیلی برای نگرانی از تغییر وزیر کار ندارند. مخالفت فراکسیون امید با ادامه وزارت ربیعی نیز به خاطر مخالفت با عمل کرد او نیست، اگر چنین مخالفتی وجود

همین روزنامه در ۱۶ مرداد کپی سندی را منتشر کرد که دلالت بر تلاش ربیعی برای خرید آراء نمایندگان دارد، با وجود گذشت یک هفته از افشای این تلاش ها معهذاً هنوز نه ربیعی و نه هیچ یک از مدیران سازمان تامین اجتماعی توضیحی در این مورد نداده اند، اما این تلاش ها به بسیج ادارات تابع تامین اجتماعی برای تطمیع نمایندگان محدود نمانده، تشکل های کارگری فرمایشی و مدیران ادارات کار و تامین اجتماعی و خبرگزاری ایلنا و همه آن کسانی که از وزیر شدن ربیعی به نحوی از انحا مستفیض شده و می شوند در چند هفته اخیر تبلیغات شدیدی را به منظور ایجاد فشار برای ابقای وی پیش برده اند. در این تلاش ها ی تبلیغاتی عملکرد ضد کارگری ربیعی وارونه بازگو می شود و به دروغ از ضرورت ابقای وی بعنوان کسی که حامی کارگر است و گویا کارگران از عملکرد وی راضی هستند، داد سخن می دهند.

تغییر دولت و تغییر مجلس و حمایت این یا آن جناح از حکومت هیچ منفعتی برای کارگران و عموم مزدگیران در چهار چوب قوانین کنونی نداشته و ندارد

این جماعت که منافع شخصی برای آن ها، ارجح بر حق و حقوق کارگران است، تصور می کنند، گویا کارگران از یاد برده اند که طی چهار سال وزارت ربیعی ته مانده حق و



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

از تحریر دیگران

جنبش اتحادیه های صنفی در بنگلادش

(بخش دهم)



مارس ۲۰۱۷: اعتراض کارگران قراردادی "سازمان سلامت ملی" سرپناگار
در ایالت کشمیر برای تأمین خدمات درمانی

مسائل، اهداف و مقررات

مصباح الدین احمد

ترجمه کودرز

خدمات درمانی

ادامه از شماره ۱۹۷

هند و پاکستان هم سیستم درمانی ویژه کارگران در بخش صنایع و مجموعه اتحادیه های کارگری دارند. در دیدار اخیرم از دو کشور هند و پاکستان برای بررسی روابط صنعتی که به همراهی نمایندگان اتحادیه های کارگری بنگلادش و با حمایت مؤسسه مطالعات کارگری بنگلادش ترتیب یافته بود، در ایالت پنجاب پاکستان با سیستم بسیار گسترده و قابل تحسینی از خدمات درمانی برای بخش صنایع تولیدی روبرو شدیم. این سیستم تنها وسیله کارفرمایان و بدون کمک دولتی تأمین مالی شده است. تنها در مراحل ابتدائی تاسیس سیستم از طرف دولت حمایت های ساختاری و زیربنائی عرضه شده است. این برنامه تحت عنوان "طرح تأمین اجتماعی کارگران" در سال ۱۹۶۷ و برپایه قانون ایالتی تأمین اجتماعی کارگری بوجود آمده بود. براساس این قانون مؤسسه تأمین اجتماعی کارکنان پنجاب (PESSI) تاسیس شده است. هدف اصلی از تاسیس PESSI عرضه خدمات پزشکی به کارکنان تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی و بعلاوه درمان صدمات در محیط کار است. در حال حاضر بیش از ۴۹۸۰۰۰ کارکنان شاغل در ۲۴۰۰۰ مؤسسه صنعتی و تجاری و ۳۰ هزار نفر عضو خانواده آنها تحت پوشش این مؤسسه اند که ۱۳ دفتر منطقه ای و ۱۴ دفتر حوزوی دارد تا به اعضا و خانواده شان خدمات درمانی عرضه نماید.

منبع درآمد اصلی PESSI سهم تأمین اجتماعی است که از صنایع و بنگاه های تجاری عضو بر اساس نرخ ۷٪ حقوق و دستمزد پرداختی به کارکنانی که تا ۳۰۰۰ روپیه در ماه دریافت می نمایند به حساب مؤسسه واریز می شود. کارگران پس از آن که در این سیستم پذیرفته شوند دیگر برای همیشه عضو خواهند بود، حتی اگر بعداً حقوقشان از سقف ۳۰۰۰ روپیه تجاوز کند. در آن صورت البته کارفرما موظف به پرداخت سهمیه بالای سقف نیست و کارگران خودشان باید معادل ۷٪ حقوق مازاد بر ۳۰۰۰ روپیه را بپردازند.



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

PESSI خدمات کامل درمانی و پزشکی را به تمام اعضا و خانواده شان عرضه می کند. این خدمات شامل مشاوره، معالجات درمانی داخلی و خارجی، عملیات پزشکی اورژانس هم می شود. کلینیک هایی برای عرضه خدمات مقدماتی پزشکی به بیماران سرپایی وجود دارند و درمانگاه ها و بیمارستانهای کوچک که ۳۰ تا ۵۰ تخت دارند و بیمارستانهای بزرگتر با بیش از ۱۰۰ تختخواب هم در این مجموعه تأمین درمانی برای کارگران فعال اند و خدمات تخصصی، جراحی، رادیولوژی، ارتوپدی، آزمایشگاه های ویژه، دندانپزشکی، بیماریهای قلبی و غیره را عرضه می نمایند. حتی خدمات درمانی پیشرفته تر مانند جراحی قبل، مراکز دیالیز برای کلیه هم در این سیستم قابل دسترسی است. PESSI هفته آمبولانس در بیمارستانها و مراکز خدمات درمانی در اختیار دارد. هر بیماری که در بیمارستان پذیرفته می شود معادل ۰,۴ روپیه در روز خرج غذا دریافت می نماید. سیستم وسیله یک هیئت مدیره اداره می شود که از میان نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت انتخاب می شود.

هندوستان هم طرح خدمات درمانی مشابه ای دارد. کارگرانی که تا ۳۰۰۰ روپیه حقوق دریافت کنند وسیله این سیستم از خدمات درمانی برخوردار می شوند که مزایا و پوشش آن در ایالات مختلف باهم تفاوت دارد. در برخی ایالات تمام کارگران غیر فصلی که از برق استفاده می کنند و ده نفر یا بیشتر کارمند دارند و کارگاه هایی که از برق استفاده نمی کنند ولی بیش از بیست نفر کارمند دارند، تحت پوشش این طرح قرار دارند. معادن و کارگران فصلی و مزارع از پوشش این طرح خارج اند. سیستم هفت نوع پوشش عرضه می کند از جمله پوشش درمانی دوران زایمان، پوشش افراد وابسته خانواده، حمایت از ناتوانی های جسمی، مخارج کفن و دفن، و حمایت های بازسازی و بازپروری بعد از حوادث. بجز در مورد خدمات درمانی و پزشکی سایر حمایت ها بصورت نقدی صورت می گیرند. خدمات تأمین اجتماعی وسیله شرکت "طرح دولتی بیمه کارکنان - ESIS" عرضه می شود که از مشارکت دولت مرکزی دولت های ایالتی، مشاغل حرفه پزشکی و پارلمان هندوستان تشکیل شده و وسیله نمایندگان آنها اداره می شود. یک شورای عالی پزشکی هم به مؤسسه تأمین اجتماعی در امور درمانی مشاوره می دهد.

سه کلاسه از خدمات درمانی وسیله این طرح پوشش داده می شوند: خدمات درمانی محدود، خدمات درمانی کامل، و محدوده توسعه یافته میانی از هر دو. تمامی افراد تحت پوشش سیستم تأمین اجتماعی خدمات درمانی کامل دریافت می کنند صرف نظر از این که موسسه عرضه کننده خدمات دولتی باشد یا غیردولتی. افراد خانواده اعضا اما فقط از خدمات محدود یا توسعه یافته برخوردار می شوند که ممکن است خدمات کامل نباشد. خدمات غیر پزشکی شامل برخی بیماری های جزئی، ناتوانی جسمی و مزایای وابستگی می شود که بصورت پرداخت نقدی صورت می گیرد.

تأمین مالی طرح را کارفرمایان و کارکنان مشترکاً برعهده دارند. دولت هندوستان در این طرح مشارکت مالی ندارد ولی دولت های ایالتی تا حدود ۸٪ هزینه واقعی درمان عرضه شده را متقبل می شوند. کارفرمایان هم معادل ۴٪ از دستمزد را و خود کارگران هم ۱,۵٪ از حقوق و دستمزد ها را به صندوق طرح واریز می نمایند. ESIS خدمات خود را فقط به کارگران متشکل در صنایع عرضه می نماید، ولی گروه پر جمعیت تر کارگران در بخش های غیر رسمی را پوشش نمی دهد. مضافاً رهبران جنبش کارگری هند معترض اند که خدمات عرضه شده وسیله ESIS ناکافی و با کیفیت پایین است.





اعتصاب کارگران فرودگاه بارسلون و صفهای طولانی مسافران



خصوصی است (اولن) با سوء استفاده از بحران اقتصادی حقوق کارگران را از ۱۰۰۰ یورو به ۷۰۰ یورو تقلیل داده بود، کارگران بالاجبار این پایین آمدن حقوق را پذیرفته بودند، ولی اکنون که ادعا می شود بحران تمام شده، خواهان ترمیم حقوقشان هستند.

کارفرما در پیشنهاد به کارگران قبول کرده است که حقوق را ۲۰۰ یورو افزایش دهد، اما کارگران قبول نمی کنند و اعلام کردند که روز یکشنبه ۱۴ آگوست بازم و در دفعات متناوب دست از کار خواهند کشید و روز دوشنبه بمدت ۲۴ ساعت بطور کامل به اعتصاب خواهند رفت.

اعتراض کارکنان و کارگران فرودگاه بارسلون به شرایط دشوار شغلیشان.

بدنبال آغاز بحران اقتصادی در اسپانیا و به بهانه آن تقلیل دادن امتیازات و مزایای شغلی کارگران در همه بخش های تولیدی و خدماتی که تغییر قانون کار از بارزترین این موارد بود، کارگران و کارکنان بخش کنترل مسافران فرودگاه بارسلون از هفته گذشته برای اعتراض به دستمزد نازل و شرایط دشوار قراردادهایشان بطور نوبتی و در زمان های کوتاه کارشان را متوقف کرده و خواهان بهبود حقوق و قراردادهایشان شدند.

فرودگاه بارسلون خاصه در این فصل که تعطیلات تابستانی همه کشورهای اروپایی شروع می شود، پر رفت و آمد ترین فرودگاه اسپانیاست و همین اقدام ساده ولی در عین حال مهم، توسط ۳۵۴ کارگر کنترل فرودگاه، بی نظمی بی سابقه ای را در این فرودگاه باعث شده است، که نتیجه آن معلق کردن صدها پرواز، ایجاد صف های طولانی مسافران برای گذشتن از خط کنترل و... در حاشیه این اعتصاب، حتی احزاب مختلف سیاسی را به واکنش واداشته است و شمایی از بحران سیاسی در سطح ایالت کاتالونیا و تا حدودی در سطح کشور اسپانیا نمایان است.

روز جمعه کارگران در چهار نوبت و در هر کدام به مدت یک ساعت دست از کار کشیدند. شرکتی که مسئولیت مدیریت کنترل مسافران را دارد و یک شرکت



بولتن کارگری

کارگروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

کنندگان حقوق بیکاری ۵۵/۶ درصد بیکاران و این رقم در سال ۲۰۱۰ معادل ۷۸/۴ درصد بود.

مطابق آمار وزارت کار از تعداد یک میلیون و ۷۶۴ هزار و ۹۸۳ تن که از کمک های دولت بهره می برند، تنها ۶۷۲ هزار و ۴۷۴ تن کمک های نقدی دریافت می کنند و مابقی بصورت کمک های جنسی است. یعنی ۶۷ درصد کمک دریافت می کنند.

شرایط تازه کاری عموماً به گونه ای است که قراردادهای کار کوتاه مدت و موقت هستند، نتیجه آن است که کارگران قادر به پرداخت ماهیانه بیمه هایشان نیستند و همین امر آن ها در زمان بیکاری از دریافت بیمه بیکاری محروم می کند.

قربانیان اول قراردادهای موقت زنان و جوانان هستند.

ماری کارمن بارررا دبیر روابط اجتماعی اتحادیه همگانی کارگران می گوید: محروم شدن از حق دریافت بیمه بیکاری و هم پای با آن، بیکاری طولانی مدت بخش وسیعی از جامعه ما را بسمت فقر و به حاشیه رانده شدن حقوق اجتماعی سوق داده است.

کوبا:

کانون کارگران کوبا طی ارسال پیامی به **مرکز بولیواریایی سوسیالیست کارگران ونزوئلا** شرکت وسیع مردم را در انتخاب مجلس موسسان تبریک گفت و همراه با آن پیروزی کاندیداهای معرفی شده از جانب نیروهای انقلاب بولیواریایی را. در این پیام **کانون کارگران کوبا** این پیروزی را متعلق به همه مردم آمریکای لاتین می خواند.

دولت ابالتی به همراه دولت مرکزی اعلام کرده اند که اگر کارگران تهدیدشان را عملی کنند، بلافاصله نیروهای انتظامی را وارد کار کرده و از شرکت های خصوصی امنیتی برای جایگزینی کارگران اعتصابی استفاده خواهند کرد. در پاسخ، سندیکاها اعلام کرده اند: هرگونه جایگزینی کارگران اعتصابی مغایر با حق اعتصاب کارگران بوده و نه دولت و نه هیچ ارگانسم دیگری حق این کار را ندارد.

برای دو روز پایان هفته ۴۰۰۰ پرواز در فرودگاه بارسلون تخمین زده می شود، اعتصاب کارگران بخش کنترل این فرودگاه صحنه های غیر قابل پیش بینی را به متصور کرده است، که نتایج زیان بخشی برای کل اقتصاد کاتالونیا و اسپانیا دارد. جالب توجه آنست که جنبش اعتراضی فرودگاه بارسلون به سایر فرودگاه ها در سایر ایالات اسپانیا در حال گسترش است.

کمیته اعتصاب شرکت (اولن) کلیه کارگران را به گردهمایی از ساعت یازده صبح روز یکشنبه که تا ساعت نوزده بعد از ظهر ادامه خواهد داشت، دعوت کرده است تا در رابطه با توقف ۲۴ ساعته کار روز دوشنبه تصمیم بگیرند. دولت اسپانیا و مقامات کاتالونیا با دلهره به نتایج این گردهمایی چشم دوخته اند.



گزارشی از وضعیت بی کاران در اسپانیا

در دوازده ماه گذشته از تعداد بیکاران در اسپانیا ۳۴۷ هزار و ۱۳۷ تن کاسته شد. در حال حاضر تعداد کسانی که در بیکاری به سر می برند، مطابق اسناد رسمی وزارت کار، سه میلیون و ۳۳۵ هزار و ۹۲۴ تن اعلام شده است. طبیعتاً این رقم مدیون آغاز فصل گردش گری و فعال تر شدن بخش خدمات است.

در کنار اطلاعات آماری بالا واقعیت تلخ تر آن است که برای بیش از سه میلیون نیروی آماده بکار ولی فاقد کار چشم اندازی نیست برای آن که بتوانند بکاری مشغول شوند و مهم تر آن که برای بیش از یک و نیم میلیون بیکار هیچ گونه کمک خرجی وجود ندارد و بخشی از آن هایی که کمک دریافت می کنند از نوع کمکهای جنسی است.

علی رغم رقم بالای بیکاری تعداد کسانی که از بیمه بیکاری استفاده می کنند، بنحوی نگران کننده ای پائین آمده است. در پایان ماه جون تعداد دریافت



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

از جهان کار

جهان بدون کار

بخش آخر

دیرک تامپسون

آتلانتیک، اوت ۲۰۱۵



THE FUTURE ENTERS INTO US, IN ORDER TO
TRANSFORM ITSELF IN US,

LONG BEFORE IT HAPPENS

-R.M. RILKE

راینر ماریا ریلکه، شاعر آلمانی: "آینده بر ما وارد خواهد شد، تا خود را در ما دگرگون کند، بسیار پیشتر از آن که فرار سیده باشد."

اشاره

در بخش پیشین نوشته گفته شد که "در آینده از ابزار دولت برای یک منظور دیگر در راستای تأمین مشوقهای بیشتر نیز می توان استفاده کرد: برای کمک به افراد برای پیشگیری از افتادن در تله بیکاری، برای بنای زندگی غنی و بامعنای افراد و بنای جوامع سرزنده و فعال. از هر چه که بگذریم، استادی در این مهارتهائی چون خراطی و جوشکاری مستلزم انضباط است و انضباط مستلزم آموزش. آموزش هم نزد بسیاری از افراد حاوی این معنا و انتظار است که صرف ساعتها وقت، که گاه با ناامیدی نیز همراه است، قطعاً در نهایت اجر خواهد دید. در یک جامعه پساکار، اجر مالی برای آموزش و تحصیل چندان ملموس و آشکار نخواهد بود. این یکی از چالشهای قابل تصور برای یک جامعه شکوفا در آینده بدون کار است."

۷. مشاغل و حرفه ها

بی توجهی به خانواده به خاطر فرصتهای شغلی، بابت ارزشگذاری به خود به حسب میزان درآمد. جامعه پساکار، که من آن را توصیف کردم، آینه دقیقی را در برابر اقتصاد امروز می نهد، اما به طرق مختلفی نرمهای فراموش شده اواسط قرن ۱۹ را منعکس می کند - یک طبقه متوسط صنعتگر، تقدم اجتماعات محلی، و بیگانگی با بیکاری درازمدت.

شاید ده ها سال دیگر مورخان آینده قرن بیستم را انحرافی در روند طبیعی تاریخ ارزیابی کنند؛ بابت نوعی از عبودیت مذهبی نسبت به کار اضافی در دوره ای از رفاه، بابت



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

آخرین روزی که در یونگستاون بودم، در مجتمعی در کنار خیابان اصلی دیداری با هووارد جسکو داشتم؛ مرد ۶۰ ساله ای که فارغ‌التصیل دانشگاه ایالتی یونگستاون بود. چندماه پس از "جمعه سیاه" سال ۱۹۷۷، پدرش - صاحب یک کارخانه آلات لوله کشی در نزدیکی یونگستاون - به هووارد که در آن موقع به عنوان دانشیار در دانشگاه ایالتی اوهایو مشغول به کار بود، زنگ زده بود و به او گفته بود: "خواستی به اینجا برگردی نگران کار نباش. اوضاع کار در این اینجا رو به راه است." یک سال بعد جسکو برای کار به یونگستاون برگشته بود. اما اخیراً مجبور شده بود به کارش که فروشنده ادوات آب بندی به شرکت‌های خانه سازی بود، خاتمه دهد. تقریباً همه مشتریان او در اثر رکود بزرگ ورشکست شده بودند و دیگر خریداری برای کالاهای او باقی نمانده بود. در این گیرودار او برای تعویض زانوی چپ اش که فرسوده شده بود، به ناگزیر به مدت ۱۰ روز در بیمارستان بستری شده بود. و این فرصتی بود تا او به آینده فکر کند. جسکو تصمیم گرفته بود برای ادامه تحصیل در دوره دکتری به دانشگاه برگردد. او به من گفت: "من اصلاً برای تدریس ساخته شده ام".

یکی از تئوریهای مربوط به کار بر این نظر است که انسان تمایل دارد خود را مشغول به کار، شغل یا حرفه بداند. کسانی که می گویند "دست شان به کاری بند است"، می خواهند این را برسانند که به ازای کارشان مزدی دریافت می کنند و قصد ندارند که با این گفته موقعیت برتری از خود را به اذهان تداعی کنند. آنها که صرفاً در فکر و انگیزه ترقی اند، نه فقط بر درآمد بلکه همچنین بر موقعیتی که در اثر ارتقاء به مدارج بالاتر نصیب شان می شود و با سیر شغلی همکاران شان نیز مکث می کنند. اما هستند همچنین کسانی که نه فقط برای درآمد یا موقعیت، بلکه همچنین برای رضایت درونی ناشی از نفس کار، به کار دست می زنند.

وقتی به نقشی که کار در نیل به عزت نفس در انسان - خاصه در امریکا - بازی می کند، فکر می کنم، تصویر یک آینده بدون کار را ناامیدکننده می یابم. هیچ درآمد همگانی پایه ای نمی تواند مانع از فروپاشی مدنی جامعه ای شود که در آن کار عده معدودی کارگر رایانه ازلی تن آسائی ده ها میلیون انسان را تأمین می کند. اما آینده ای با "کار کمتر" هنوز واجد درخششهای امیدوارکننده است؛ زیرا ضرورت مشاغلی که مشمول دستمزد می شوند مانع جدی جستجو برای اشتغالات ساقط کننده ای است که ممکن است به آنها رو آورد.

پس از گفتگو با جسکو عزم ترک یونگستاون را کردم. در راه بازگشت به زندگی جسکو فکر می کردم اگر صنعت فولاد یونگستاون جای خود را به موزه فولاد یونگستاون نداده بود و این شهر توانسته بود فرصتهای شغلی ثابت با مدارج ترقی روشنی را به شهروندان اش عرضه کند. اگر جسکو شغلی را در صنعت فولاد برگزیده بود، امروز داشت خودش را برای بازنشستگی آماده می کرد. اما صنعت فولاد یونگستاون درهم فرو ریخت و سالها بعد یک رکود دیگر سر برآورد. نتیجه این سانحه انباشته این شده است که جسکو در ۶۰ سالگی نه به بازنشستگی بلکه به ادامه تحصیل فکر کند. مشاغل بسیاری از دست رفته اند تا جسکو را نسبت به کاری متقاعد کنند که "برای تدریس ساخته شده است".

آن سه آینده بالقوه ای که من ترسیم کردم (مصرف گرایی، خلاقیت جمعی، و سرگشتگی) مسیرهای جداگانه ای که از امروز منشعب می شوند، نیستند. محتملاً این سه راه به صورت در هم آمیخته با هم و حتی اثرگذار بر هم پیش خواهند رفت. مطمئناً تفریح و سرگرمی رایجتر خواهد شد و بی آن که نیاز به تلاش چندانی باشد، انسانهای بیشتری را به خود جلب خواهد کرد.

اما اگر این همه آن چیزی باشد که اتفاق خواهد ماند، قطعاً جامعه دوامی نخواهد یافت. ریخته گری کلمبوس نشان می دهد که چگونه یک "جای سوم" (اجتماعات منفک از خانه و اداره) می تواند به مرکز تربیت، آموزش مهارت و تجربه شور و عواطف عالی بدل شود. با یا بدون چنین جای سومی بسیاری از افراد نیاز خواهند داشت قابلیت‌هایی را در خلال زندگی در شهرهایی چون یونگستاون فراگرفته اند، به کار گیرند، ولو که نتیجه امر به موزه ای از اقتصاد کهن شبیه باشد. یونگستاون پیش نمون بسیاری از شهرهای دیگر در ۲۵ سال آینده است.





کانون مدافعان حقوق کارگر اعتراض های کارگران؛ ناکار آمدی تشدید سرکوب های قرون وسطایی



پرداخت حق و حقوق مردم نیستند. این تشدید فشارها در روزهای اخیر در کنار موج اعدام ها، بار دیگر به سراغ کارگران، معلمان و زندانیان سیاسی آمده است. دستگیری مجدد رضا شهبابی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، اسماعیل عبیدی و محسن عمرانی از اعضای کانون صنفی معلمان، صدور حکم قرون وسطایی شلاق برای شاهپور احسانی راد از اعضای اتحادیه آزاد کارگران و تشدید فشار بر زندانیان سیاسی گوهردشت که به اعتصاب غذای ۱۲ تن از آنها منجر شده و ... از جمله این فشارهاست.

اعتراضات بی وقفه کارگران، زحمتکشانشان و مردم تحت ستم در سراسر شهرها و استان های کشور هر روزه ابعاد وسیع تری می یابد و قدرتمداران در سردر گمی از حل بحران های اجتماعی رو به سوی بیشترکردن فشارها و سرکوب ها می آورند تا شاید از بحران های خود ساخته رهایی یابند. غافل از آنکه اگر چنین شیوه هایی پاسخ مشکلات بود، در این چند دهه باید نتایجش آشکار می شد. اکنون مردم ما و کارگران و زحمتکشانشان به حدی تحت فشار معیشت و زندگی روزمره هستند که شیوه های گذشته برخورد قدرتمداران را به هیچ گرفته و همچنان به اعتراضات خود ادامه می دهند زیرا که قدرتمداران نیز همچنان به چپاول اموال مردم و حقوق ها نجومی برای اعوان انصارشان ادامه می دهند و حاضر به



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

طرف صاحب سرمایه مظلوم واقع شده است. لذا برای افزایش سطح اشتغال و رشد بهره وری و اینکه کارفرما در آینده بتواند باز هم استخدام انجام دهد، باید در قانون "حداقل دستمزد و کف دستمزد" تغییر ایجاد کرد و به کارگر و کارفرما اجازه داده شود که در دستمزدهای پایین تر و با مزایای اجتماعی ناچیزتر برای یکدیگر کار کنند و آزادی های اقتصادی نباید محدود گردد... یکی از مشکلات، چانه زنی نیروی کار بر سر دستمزد است... چالش دیگر هزینه ی بالای اخراج نیروی کار برای کارفرما است". (امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران»، نوشته ی حسن روحانی، مجدباقر نوبخت، مجد نهاوندیان و اکبر ترکان، ص ۳۴۰)

در حالی که به عینه شاهدیم با افزایش بیکاری و تورم که با افزایش نرخ ارتشا و اختلاس همراه است، به چه میزان خودکشی، اعتیاد، سرقت و دیگر آسیب های اجتماعی افزایش می یابد؛ به هر اندازه که قیمت ها به بازار آزاد سپرده شود، جمعیت زیر خط فقر مطلق افزایش می یابد و به همان میزان نیز اعتراض و اعتصاب و حق خواهی گسترده تر خواهد شد.

تاریخ چند دهه اخیر در تمام دنیا نشان داده است که با تشدید سرکوب و فشار بر مردم، نه تنها زمینه های بحران برطرف نمی شوند بلکه تشدید خواهند شد.

چاره کار محاکمه و مجازات این قربانیان تورم، بیکاری، فقر و نگهداری آنان در زندان هایی با شرایط بسیار سخت و غیرانسانی نیست.

کارگران و زحمتکشان با صدای بلند فریاد می کشند که آنچه "امنیت ملی کشور" را به مخاطره می اندازد، اجرای سیاست های غارت گرانه و چپاول گرانه (مانند خصوصی سازی و...)، نبود آزادی تشکل برای نیروی کار، دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر برای بازنشستگان، معلمان، کارگران و زحمتکشان و در کنارش حقوق های کلان و نجومی برای مدیران عالی رتبه، پرداخت نشدن همین دستمزدهای اندک برای ماه هاست و **تنها برقراری عدالت اجتماعی واقعی و انسانی می تواند امنیت را برای همه به ارمغان آورد.**

این همه در حالی است که اختلاس گران و دزدان بزرگ آزادند و در مواردی که هم در میان تصفیه حساب های جناحی برای مدت کوتاهی بازداشت می شوند با وثیقه های چند صد میلیاردی آزاد می شوند. غاصبان یا به اصطلاح "صاحبان خصوصی" شرکت های بزرگ مانند هفت تپه و گروه ملی صنعتی فولاد اهواز و سایر واحدهای خصوصی شده که ماه ها حقوق کارگران را پرداخت نمی کنند، بی هراس از پیگیریهای قضایی همچنان با دریافت حقوق های کلان از قبل سود حاصل از سپرده ی حقوق این کارگران با بهترین امکانات زندگی می کنند اما چهل تن از کارگران شرکت نیشکر هفته تپه به دلیل به جان آمدن از بی پولی و فقر و طلب حقشان در مقام متهم به دادگاه کشانده می شوند و کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز همچنان در هوای آلوده اهواز در خیابان سرگردانند و ...

دستگیری مجدد رضا شهابی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، اسماعیل عبدی و محسن عمرانی از اعضای کانون صنفی معلمان، صدور حکم قرون وسطایی شلاق برای شاهپور احسانی راد از اعضای اتحادیه آزاد کارگران و تشدید فشار بر زندانیان سیاسی گوهردشت که به اعتصاب غذای ۱۲ تن از آنها منجر شده و ... از جمله این فشارهاست

دولتمردان "امنیت ملی" را تنها از زاویه تنگ منافع سرمایه داران و کارفرمایان می بینند و از کارگران می خواهند که نسبت به خواسته های به اصطلاح "کارآفرینان" انعطاف داشته باشند. در یکی از نوشته های سردمداران حکومتی چنین آمده است: "یکی از معضلات کارفرمایان و کارخانه های کشور، وجود اتحادیه های کارگری است. لذا کارگران باید نسبت به خواسته های کارآفرینان انعطاف داشته باشند. از سوی دیگر یکی از چالش های دیگر قانون کار است که در آن

کانون مدافعان حقوق کارگر

۲۲ مرداد ۱۳۹۶



بطحایی، گزینه دولت علیه آموزش عمومی

جعفر ابراهیمی

به نقل از : سایت حقوق معلم و کارگر

برای دولت است او به مانند فانی می‌کوشد، بیش از پیش از جیب معلمان و دانش آموزان برای دولت صرفه‌جویی نماید و به اسم اقتصاد مقاومتی و به کام بخش خصوصی طرف مقابل را هم از خود راضی نگه دارد.

اما نهاد آ.پ تنها از بعد اقتصادی برای دولت و حاکمیت اهمیت ندارد، بلکه کارکرد اصلی آموزش و پرورش و نهاد مدرسه در بعد ایدئولوژیک آن است این نهاد آموزش عمومی است که از طریق ابزارهای آموزشی وضع موجود را تثبیت می‌کند و نابرخورداری و نابرابری در جامعه را توجیه و بازتولید می‌کند، این قاعده مورد وثوق اکثر جامعه شناسان رادیکال است و در محافظه‌کارانه‌ترین نظریه‌ها مدرسه وظیفه جامعه‌پذیری کودکان را بر عهده دارد،

پس طبیعی است باندها و جریان‌های سیاسی که بیشتر منافع طبقاتی خود را نمایندگی می‌کنند، بکوشند از ره گذر آموزش و پرورش رویکرد ایدئولوژیک خود

مناسبات ضد اجتماعی و آموزشی خود را دنبال کنند.

سازمان برنامه و بودجه یک سازمان مؤثر است، چراکه این سازمان است که مشخص می‌کند، سمت و سوی حرکت بودجه باید به سمت کدام برنامه‌ها و سیاست‌ها جریان داشته باشد، این سازمان سال‌هاست که الگوهای خود در مورد برنامه اقتصادی و بودجه‌نویسی را از الگوهای ورشکسته صندوق بین‌المللی پول تهیه و تنظیم می‌کند، الگوهایی که بر اساس استراتژی کاهش تصدی‌گری دولت شکل گرفته‌اند.

دولت روحانی از اساس به لحاظ تاریخی و طبقاتی شیفته این الگوهاست افرادی چون نه‌اوندیان، نوبخت، نعمت زاده و ... موتور محرک این سیاست‌ها هستند و این خط را به کمک شخص روحانی عمده و به پیش می‌برند پس طبیعی است وقتی این رویکرد غالب است، فردی باید در رأس بزرگ‌ترین وزارتخانه قرار گیرد که توانایی حرکت هم سو با دولت را داشته است، پس از این منظر اقتصادی بطحایی گزینه مناسبی

سرانجام پس از کش‌وقوس‌های فراوان و لابی‌های گسترده دولت گزینه مورد نظر خود برای وزارت آموزش و پرورش را معرفی کرد، بطحایی معاون پیشین توسعه و پشتیبانی وزارت آ.پ قرار است در صورت کسب رأی اعتماد سکان‌دار آموزش و پرورش گردد. حال سؤالی که مطرح می‌گردد آن است که چه پارامترهایی باعث شده است که این فرد از نظر حسن روحانی فردی مطلوب برای این پست باشد؟

بطحایی فردی شناخته‌شده برای جامعه فرهنگیان است، اما نه از آن جهت که کارنامه درخشان و مقبولی از خود به‌جای گذاشته باشد، بلکه از منظر بی‌درایتی و سوء مدیریتش، بخصوص در دورانی که در صندوق ذخیره فرهنگیان بزرگ‌ترین اختلاس رخ داده است، این مهم در کنار ناتوانی او در افزایش بودجه آموزش و پرورش وی را فردی آشنا برای معلمان کرده است، فردی که پس از بزرگ‌ترین اختلاس صندوق در یک جابجایی از معاونت در آ.پ به معاونت سازمان برنامه و بودجه رفت تا در کنار هم‌مسلمان خود بیش از پیش



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

یک وزیر ناکارآمد تبعات خواهد داشت؟ پاسخ منفی است انتخاب بطحایی انتخاب یک فرد نیست بلکه قدم گذاشتن در مسیری است که پیامدهای نامطلوبی برای جامعه در پی خواهد داشت در اصل سیاست‌های دست راستی دولت با شدت و حدت بیشتری ادامه پیدا خواهد کرد و این به معنای سلب مالکیت عمومی در عرصه آموزش به مدد عقب‌نشینی دولت از این عرصه است.

نگاهی به برنامه‌های طرح خرید خدمات آموزشی که محور برنامه بطحایی و طرحی شکست خورده هاست، نشان می‌دهد که این طرح‌ها موجب ایجاد زمینه‌های جدیدی برای رانت و فساد در این دستگاه عریض و طویل غیرشفاف است این مسئله نه تنها فقدان عدالت آموزشی را برطرف نمی‌کند بلکه به خاطر برخورداری برخی از رانت وفاداری امکان خرید خدمات از آنان را مهیا می‌کند.

این در حالی است که بطحایی و هم‌مسئولانش هیچ اعتقادی به متشکل شدن مستقل معلمان ندارند آنها در عمل این را ثابت کرده‌اند و در برنامه پیشنهادی آنها نیز چیزی دیده نمی‌شود، پس بسط‌سازی برای بخش خصوصی در فقدان نهادهای مدنی مستقل تنها به اختصاصی سازی بیشتر و بولی کردن آموزش عمومی منتهی خواهد شد و از این ره گذر امنیت شغلی معلمان و فرصت برخورداری از آموزش باکیفیت برای دانش آموزان بخصوص در مناطق محروم سلب خواهد شد.

پس می‌کوشد فردی را معرفی کند که تابع تعادل قوا است و برای جناح مقابل ایجاد مشکل نمی‌کند و چه کسی بهتر از بطحایی که افتخار همکاری با همه دولت‌های رنگارنگ را دارد. از این منظر کسانی که با بطحایی از موضع اصلاح طلب نبودن مخالفت می‌کنند، یک موضع ایدئولوژیک و سیاسی دارند و اصلاً بحث آنها سوء مدیریت و ناتوانی بطحایی نیست آنها دلوپس آن هستند که این عرصه ایدئولوژیک را از دست بدهند.

پس از منظر اقتصادی و ایدئولوژیک بطحایی مناسب‌ترین گزینه برای دولت نئولیبرال حسن روحانی است، این دولت در کلیت اقتصادی و ایدئولوژیک با جناح مقابل فرق چندانی ندارد و تنها اختلاف بر سر شیوه‌های اعمال سلطه اقتصادی و ایدئولوژیک است و در شرایطی که دولت به خاطر بحران‌های منطقه‌ای و جهانی ناشی از جنگ در منطقه تا برآمدن جناح ترامپ در آمریکا با مشکلات جدی روبروست، چاره‌ای جز تن دادن به تعادل قوایی ندارد که یک سرش را جناح مقابل تعیین و تنظیم می‌کند، این روند منجر به ادامه این روی کرد خواهد شد و دولت هر چه بیشتر از تبلیغات پوشالی و پوپولیستی انتخاباتی عقب‌نشینی خواهد نمود و ماهیت خود را بیشتر هویدا خواهد کرد و در توجیه عملکرد خود به خالق حمله «تکرار می‌کنم» ارجاع خواهد داد که معتقد بود: ریس قوه مجریه یک تدارک‌ناهی بیشتر نیست.

از این منظر بطحایی گزینه مناسب روحانی است اما آیا این انتخاب دولت برای ذی‌نفع آن آ.پ نیز مفید است؟ آیا این انتخاب تنها در سطح

را تثبیت کنند، چرا که مدرسه کانونی‌ترین نهاد نزاع بر سر کسب هژمونی است. با این اوصاف فردی باید در رأس باشد که بتواند وضعیت موجود را حفظ کند.

از آنجایی که دولت روحانی دیگر نیازی به رأی مردم ندارد و طی روزهای پسا انتخابات شاهد عقب نشینی دولت و روحانی از شعارهای انتخاباتی هستیم پس ضرورتی ندارد که دولت در این نهاد حساس فردی را بگمارد که بخواهد به بدنه اجتماعی پاسخ دهد دولت می‌کوشد فردی را معرفی کند که بیشتر مطیع و پیش برنده برنامه‌های دولت در راستای حفظ تعادل قوا در ساختار هرم قدرت باشد، بخصوص اینکه این دولت با هجمه به برنامه ۲۰۲۰ از سوی مخالفان عملاً عرصه نزاع در هرم قدرت را به رقیب به خاطر باور نداشتن به مقاومت بر سر اصول باخته است،

انتخاب بطحایی انتخاب یک فرد نیست بلکه قدم گذاشتن در مسیری است که پیامدهای نامطلوبی برای جامعه در پی خواهد داشت در اصل سیاست‌های دست راستی دولت با شدت و حدت بیشتری ادامه پیدا خواهد کرد



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

در برابر منتقدان بطحایی و گزینه‌های مشابه خواستار معرفی گزینه از سوی فعالان و تشکل‌های صنفی می‌شوند، باید گفت کار مبرم و ضروری فعالان مستقل، نه معرفی یک فرد بلکه نقد مداوم و پیگیر برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در آموزش عمومی اجرایی می‌گردد. مگر می‌شود بطحایی یا هرکس دیگر که گزینه دولت است برنامه‌هایش خارج از رویکرد اقتصادی و سیاسی دولت باشد؟ پس بحای تأکید بر ناکارآمدی فردی باید اولویت را به نقد دولت و برنامه‌هایش در حوزه آموزش و پرورش داد.

با این رویکرد وظیفه فعالان صنفی و تشکل‌ها چیزی فراتر از نقد فردی بطحایی است و حتی جایی که نقد فردی مطرح می‌گردد باید این نقطه‌ای برای نقد ساختاری آموزش و پرورش و نیروهای باشد که در پی حفظ وضعیت موجود هستند، تنها در این صورت می‌توان از یک موضع مستقل می‌توان منتقد معرفی گزینه دولت شد و بر مطالبات صنفی پافشاری و دولت را موظف به پاسخ گویی نمود. تنها در این صورت است که یک جمع ۲۵ نفری موسمی و انتخاباتی تحت ستاد فرهنگیان روحانی قادر نخواهد بود خود را نماینده معلمان و دانش آموزان معرفی کند.

بی‌شک عملکرد قدرتمند کانون‌های صنفی و حرکت برمدار صنفی و آموزشی جایگاه و پایگاه واقعی این محافل را بیشتر آشکار خواهد ساخت؛ اما وقایع روزهای اخیر درس مهمی به ما می‌دهد و برای ما یادآوری می‌کند که سازمان‌یابی از پایین و تشکل‌یابی مستقل یک ضرورت اجتناب ناپذیر برای تغییر در سپهر آموزش عمومی ایران است.

طبقاتی و سیاسی دولتمردان است این منافع طبقاتی در چینش کاسنه اولویت را به بدنه اجتماعی نمی‌دهد و نخواهد داد نگاهی به وعده‌های انتخاباتی روحانی و عملکرد پسانتخاباتی وی نشان از فاصله عمیقی است که سن شعار و عمل وجود دارد. شعار برای جلب بدنه اجتماعی به این معنا نیست که در مرحله عمل و جایی که منافع عینی و مادی طبقه مسلط در میان است اصالت به وعده‌ها داده شود، روحانی دیگر نیازی به آن حمایت‌های اجتماعی حداقل برای ۴ سال آینده ندارد و تجربه نشان داده است همواره کسانی در جناح رقیب افرادی مانند ناطق نوری و احمدی‌نژاد و ریسی در زمان‌های خود وجود دارند که جناح روحانی بتوانند منافع طبقاتی و باندی خود را در پس این دوگانه سازی بین بد و بدتر پنهان نمایند، پس چه لزومی دارد که روحانی در انتخاب وزیر و ارائه یک برنامه مترقی متحمل هزینه شود؟

از سوی دیگر مسئله فقط به سوء مدیریت بطحایی ختم نمی‌شود، اگر رد کردن بطحایی فقط به خاطر بی‌کفایتی باشد باید پرسید کدام یک از مدیران فعلی یا وزرای پیشین کفایت داشته‌اند و تحولی در آ.پ ارائه نموده‌اند که برای جامعه و معلمان ملموس باشد؟ واقعیت این است که گزینه‌های کارآمد بایستی در یک فضای آزاد و دموکراتیک و برابر رشد کنند در سیستمی که اصل ارتقای مدیریتی با میزان ارتباطات رانتی و وصل بودن به یکی از منابع قدرت و ثروت ارتباط مستقیم دارد مگر ممکن است افراد کارآمد رشد کنند؟

از این منظر در پاسخ به کسانی که

برخی در این شرایط این سؤال را مطرح می‌کنند که با توجه به اینکه برآمدن بطحایی تا سطح وزیر اوضاع فعلی را بحرانی خواهد کرد پس چرا دولت روحانی این‌گونه خود را در معرض انتقاد و اعتراضات مخالفان قرار می‌دهد بخصوص درجایی که صف عظیم مخالفان را افراد مستقل و منتقد صنفی تشکیل می‌دهند چرا که تشکل‌های منتقد سیاسی یا تضمین شده‌اند و در سهم خواهی بهره خود را برده‌اند و یا تابع گوش و چشم بسته دولت هستند و هر تصمیمی که ستاد فرهنگیان روحانی‌گیرد چشم و گوش بسته اطاعت می‌کنند در چنین شرایطی چرا دولت به فکر پایگاه اجتماعی خود نیست؟

از آنجایی که دولت روحانی دیگر نیازی به رأی مردم ندارد و طی روزهای پسا انتخابات شاهد عقب نشینی دولت و روحانی از شعارهای انتخاباتی هستیم پس ضرورتی ندارد که دولت در این نهاد حساس فردی را بگمارد که بخواند به بدنه اجتماعی پاسخ دهد دولت می‌کوشد فردی را معرفی کند که بیشتر مطیع و پیش برنده برنامه‌های دولت در راستای حفظ تعادل قوا در ساختار هرم قدرت باشد

به نظر نگارنده پاسخ را در همان چرایی مناسب بودن بطحایی باید جستجو نمود دولت روحانی در سطحی بسیار افراطی منافع را نمایندگی می‌کند که خاستگاه



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

تیتراخبار

این صفحه، اختصاص دارد به تیترا خبر های کارگری در هفته ای که گذشت. سرفصل جدیدی از بولتن کارگری، که در گسترش اطلاع رسانی اخبار و حمایت از جنبش کارگری به شرح زیر ارایه می شود.

- / اعتراض ۲۸ روزه کارگران سیمان کارون برای معوقات مزدی/فرماندار: کارگران قانونی اقدام کنند
- / بازگشت اخراجی‌های «خودروسازی راین» به سر کار/شهریور معوقات پرداخت می‌شود
- / «اشی‌مشی» ۱۱۰ کارگرش را بیکار کرد/اداره کل کار گیلان: اگر کارگران شکایت کنند پی‌گیری می‌کنیم
- / روایت مرگ مظفر عباسی میوه فروش قمی از زبان بستگانش:
- / خواهش می‌کنم حقیقتِ داغ‌دیدگیمان را سانسور نکنید/ از ماموران سد معبر شهرداری قم شکایت کردیم
- / تجمع وانت‌داران میوه فروش قم در اعتراض به مرگ همکارشان
- / مرگ راننده و شاگرد راننده تریلی در محور قم-گرمسار
- / معوقات مزدی کارگران طرح ۲۶ هزارهکتاری سیستان
- / مرگ یک کولبر دیگر در مرز اشنویه
- / معوقات مزدی کارگران فاز ۲۰ و ۲۴ عسلویه به سه ماه رسید
- / تجمع اعتراضی کارگران کارخانه بلبینگ سازی تبریزنسبت به بلاتکلیفی شغلی ومعیشتی مقابل فرمانداری
- / تجمع اعتراضی متصدیان آب و فاضلاب روستایی ایوان نسبت به عدم پرداخت ۴ماه حقوق ودیگر مطالباتشان
- / اعتراضات نسبت به طرح تربیت پرستار بیمارستانی پابرجاست
- / عدم پرداخت ۴ ماه حقوق کارگران فاز یک خط لوله انتقال آب طرح ۴۶ هزار هکتاری سیستان
- / اخراج کارگران در صورت اعتراض
- / افزایش ۸,۹ درصدی مصدومین ناشی از حوادث کار طی چهار ماهه نخست سال دراستان مرکزی
- / جان باختن ۱۲ کارگر طی همین مدت در این استا



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

- / جان باختن کارگر آسفالت‌کار اکیپ عملیات کارگاهی اتوبان تهران به ساوه حین کار بر اثر تصادف رانندگی
- / بازهم شلیک به کولبران و جان باختن کولبری دیگر
- / دام زمین خواران برای تالاب انزلی با کاشت نهال
- / رشد ۲۴۰ درصدی اعتراضات و تجمعات کارگری در سال اخیر در استان مرکزی
- / هنوز معوقات مزدی کارگران اخراجی شرکت اشی مشی پرداخت نشده است
- / ۷۵ درصد مشمولین قانون کار شغل دوم دارند
- / گزارشی از یک روز با زنان بسته‌بند قارچ که جبر زندگی، آنان را در یک کارگاه جمع کرده است
- / اعتراض کارگران گروه ملی فولاد ایران روزجمعه هم جریان پیدا کرد
- / اعتراض جمعی از کارگران فلزکار به خلف وعده شرکت تعاونی مسکن در تحویل آپارتمان‌هایشان
- / بیکاری ۷۴ کارگرکارخانه دستمال کاغذی سبحان چرام
- / جان باختن ۲ کارگر جوان در حادثه ریزش کانال فاضلاب بیرجند
- / اعتصاب و تجمع کارگران شرکت پترو پایدار ایران در فاز ۱۲ عسلویه جهت اعتراض به عدم پرداخت چندماه مطالباتشان
- / اعتراض مهمانداران شرکت حمل و نقل ریلی (رجا) نسبت به عدم پرداخت بموقع مطالباتشان
- / غرق کردن عمدی حدود ۵۰ پناهجو در آب‌های یمن
- / کشته شدن کارگر آسفالت‌کار جاده ساوه در تصادف رانندگی
- / اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز با پهن کردن سفره خالی
- / ۱۹۰ کارگر بلبرینگ سازی تبریز بیش از ۴ ماه مزد طلبکارند
- / منتظر اصلاحات وزارت بهداشت هستیم/چالش‌های طرح تربیت پرستار بیمارستانی پابرجاست
- / کارگران شرکت گروه ملی صنعتی فولاد ایران تجمع کردند
- / کارگران قدیمی‌ترین شرکت تابلوی برق ۶ ماه بدون حقوق
- / جزئیات تفویض بیمه بیکاری به کاریابی‌ها/اجرای سراسری طرح به زودی
- / نگرانی کارگران زغال‌سنگ زرنده از نحوه محاسبه مزد/کارفرما: تمامی مطالبات مزدی پرداخت شده است



بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
دوشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۶ / ۱۴ اوت ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۱۹۸

بدون شرح

